

راه ناصرالدین شاهی از شمیران به چالوس

ناصرالدین شاه، مسیو گاستر خان مهندس نمساوی را مأمور ساختن راه چالوس کرد. ابتدای این راه منظر به شمیران و انتهای آن کلاردشت و چالوس بود و از نقاط زیر می گذشت:

تنگ درور - سینه سرخی - کلک چال - پیاز چال - پایین قلعه توچال - چمن مخمل - گل کیله - عمارت ناصرالدین شاهی - شهرستانک - سرك - دو آب شهرستانک - از اینجا راه کنار رودخانه کرج می افتاد و از دو آب تنگ کسپیل به میدانک و گرماب و سرخ در و حسنک در و نسا و شاه پل می رفت. در شاه پل که پلی آجری داشت و تا این اواخر پایه های آن در آب رودخانه دیده می شد، جاده از دست چپ آب به دست راست می رفت و از اراضی شهریار و گچسر می گذشت. از گچسر به پل آئینه بندان که پلی سنگی است و هنوز برقرار است، می رسید.

از اینجا به بعد از نقاط زیر می گذشت:

فك لش^۱ - خرگوش دره بزرگ - خرگوش دره کوچک - گلی (بکسر گاف و تشدید لام) - سیاچکه (بکسر ج و تشدید کاف) - فیل چشم - کندوان^۲ - کاروانسرای بالای قله - گوخسون^۳ - پای کندوان (کاروانسرا) - دزدگردن - خاکک - گرم کش (کاروانسرا) - گردنه الغر^۴ - جور هلی چشمه - جیر هلی چشمه - سیایشه - گرم رودبار = الاملی اوئی دم (دم آب الامل) - پل شوراونک - گلردی^۵ (زیر ولی آباد امروز) - کلاه فرنگی یا ناهار خوران - دروازه سنگی که در اراضی گز ناگله^۶ است.

۱- بکسرفاء و کاف و فتح لام. ۲- بفتح کاف و ضم دال. ۳- بضم خاء. ۴- بفتح الف و غین. ۵- بفتح گاف و لام و فتح الف و نون اول. اند نام قدیمی ولی آباد بوده است. ۶- بفتح گاف و کسر زاء و ضم گاف دوم و کسر لام.

هزارچم شامل فیلچم و چم دوازده تائی - پای هزارچم که بر دو آب دره^۱ و آب چالوس بوده است. برای ساختن قسمت اعظم این راه که از منطقه کوهستانی عبور می کند، ابتدا سنگهارا با قلمهای کلفت و بلند سوراخ کرده و سپس با کمک باروت سنگهارا منفجر کرده اند (عکس شماره ۴۲).

از اینجا راه به کنار رودخانه چالوس می افتاد و از دست راست آب عبور می کرد. در پل اوشان به دست چپ می رفت و دنباله راه به بابوده می رسید. از اینجا راهی به کلاردشت جدا می شد و راه اصلی کنار رودخانه تا به چالوس می رفت. قسمت دیدنی این راه، دروازه سنگی است که اینک به شرح آن می پردازیم.

دروازه سنگی

مسیر دروازه شرقی غربی است. پهنای دهانه دروازه ۳۸۰ و بلندی طاق از وسط ۴۷۰ سانتیمتر است (عکس شماره ۴۳). بر بدنه داخلی سمت راست دروازه سنگی سکویی ساخته شده که بلندی آن از سطح راه ۱۱۰ سانتیمتر است.

پیش از رسیدن به دروازه، بر سمت غربی راه (دیواره دست چپ) کتیبه ای به درازای ۴۸ و پهنای ۲۸ سانتیمتر با خط خوش نستعلیق کنده اند (عکس شماره ۴۴). این عبارات در سه سطر بر آن حک شده است:

« در زمانی این راه صورت اختتام یافت - که جناب جلالتمآب عزیزخان سردار کل قشون محروسه ایران بوده و جناب انوشیروان خان اعتضادالدوله حاکم مازندران.»

از دروازه که بیرون رفتیم، بر بدنه شرقی، بالای دروازه، طرف دست راست کتیبه دیگری با حروف لاتین است. دو سطر اول نزدیک بهم و زیر آنها عدد 266 و زیر آن، دو سطر دیگر نزدیک بهم مانند دو سطر بالا حک شده است. عدد ۲۶۶ ظاهراً

۱- بفتح راه.

درازای راه به حساب کیلومتر است و چهار سطر دیگر به زبان اطریشی و مطالبی درباره ساختن این راه است.

نزدیک طاق دروازه طرف راست در سنگ، مربعی مستطیل به درازای ۱۱۰ و پهنای ۵۶ سانتیمتر کنده اند. در قسمت بالا که یکی از اضلاع دراز مربع مستطیل است دو سوراخ و در ضلع پایین سه سوراخ و زیر سوراخ سوم دست راست بیرون از ضلع مربع مستطیل، سوراخی دیگر کنده شده است.

نظیر این شکل در بالای دروازه، طرف مغرب نیز دیده می شود، اما محل سوراخهای آن با شکل شرقی فرق دارد. در جهت غربی دروازه طرف دست راست محل قابی از گچ و سنگ دیده می شود. اهالی ولی آباد می گفتند که در این مربع مستطیل سنگ مرمری بود که تمثال ناصرالدین شاه بر آن حک بود. یاور کوسی - قرق بان اعلی حضرت فقید آن را بیرون آورد و برد.

کتیبه سوم زیر طاق دروازه، طرف راست حک شده به درازای ۲۱ و پهنای ۱۵ سانتیمتر است. این عبارت در دو سطر بر آن دیده می شود:

«این بیستان بانی عمل استاد علی اکبر در که»^۱

پس از اتمام این راه، ناصرالدین شاه در ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ قمری راه را افتتاح کرده است. این شرحی است که محمد حسن خان اعتماد السلطنه در این باره نوشته است:

«روز دوازدهم ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ قمری ناصرالدین شاه به شکر آب و شهرستانک تشریف فرما گردیده، روز چهاردهم به سمت دوناتنهض کرده، روز بیست و یکم از دونابه سیاه بیشه که اول خاک کلارستاق است، نزول اجلال فرمودند.

۱- در که از دهکده های شمیران و در شمال اوین است.

روزیست و دوم دامنه گردنه هزارچم مضرب خیام معلی گردید. راه هزارچم را که از مسالك صعبه بود، حسب الامر، مسیو گاستر مهندس نمسای در کمال خوبی ساخته و دروازه ای از سنگ احداث کرده که از غرایب مستحذات است و به عطایای وافر شاهانه و لقب خانی سرافراز آمده. نواب والا اعتضاد السلطنه - وزیر علوم - قطعه ماده تاریخی برای دروازه سنگی مزبور به نظم آوردند که در نظر انور ملو کانه نهایت مستحسن افتاد و آن قطعه بعینها در ذیل ثبت می شود.

قطعه تاریخ دروازه سنگی من کلام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم متخلص به فخری

« درهما یون عهد دارای سترگ	خسرو عادل شهنشاه کریم
بوالمظفر ناصرالدین شاه راد	کز نظیرش مادر گیتی عقیم
در رکابش فتح و نصرت ملتزم	بر جناش حشمت و شوکت مقیم
امر او جان بخش چون امر مسیح	رای او تابنده چون دست کلیم
رهروان دیدند بسا چشم عیان	صد چو خود افتاده با عظم رمیم
بر جبالش کی پسر مرغ خیال	در وهادش کی رسد فکر حکیم
دور مردم زین طریق پر خطر	همچو از آیات، شیطان رجیم
قاطعان راه در طی طریق	خویش را دیدند چون مرد سلیم
کاروانی چند زین مسلک گدا	کودکانی چند زین معبر یتیم
ارتفاع قله را دانا خداست	انخفاض درّه را الله علیم
شد بزرگ این راه از فرمان شاه	شارعش فرخنده چون شرع قویم
مسلکی محکم نهاد از سنگ و خاک	آنکه سنگ و خاک پیشش ز زوسیم

کس ندیدست این چنین بنیاد سخت
هیچکس نشنیده ز آثار قدیم
بس قوافل بگذرد بی خوف و ترس
بس سواره بسپرد بی باک و بیم
گلخنی را حکم شه گلشن نمود
ز امر خسرو این ججیم آمد نعیم
این چنین کاری کند عزم ملک
خسرو اعظم کند کاری عظیم
جست پیر عقل تساریخش ز من
گفت فخری شد صراط المستقیم

۱۲۸۵

در هزار و دوصد و هشتاد و پنج زد رقم کلک من از طبع سلیم^۱
لیونتان کلنل بر سفر دلووات - قنسول انگلیس در استراباد - در سال ۱۲۹۸ قمری
قسمتی از راه کندوان را پیموده و در باره آن چنین نوشته است :

« شهرستانک قریه معتبری است که در دره واقع شده و قریب هزار و دوست نفر جمعیت دارد . اطراف آن همه اراضی مزروع است و از سطح دریا دو هزار و پانصد ذرع ارتفاع دارد . در اول این دره ، پای کوه توچال شمیران ، یک عمارت سلطنتی ساخته اند . همه ساله شاهنشاه چند روزی در آنجا توقف می فرمایند و روزها به شکار می روند . در جنب عمارت آبشاری است که از توچال می آید و رودخانه ای می شود که قریب پانزده ذرع عرض و نیم ذرع عمق دارد . از کنار این رودخانه به سرك آمدیم و شب را در زیر درختان چنار منزل نمودیم . سرك قریه کوچکی است در محل تقاطع دو رودخانه که یکی از سمت جنوب جاری است ، واقع شده . راه از شهرستانک به سرك بسیار خوب است . این راه را جنرال گاسترک صاحب منصب مهندس اطریشی که در خدمت دولت ایران بود ، هشت سال قبل ساخته است . از سرك به حسنک در ، راه از سمت چپ رودخانه گچسر می رود . این رودخانه موسوم است به «لورا» و در سه ربع فرسنگ پایین قریه سرك به رودخانه سرك متصل می شود . رودخانه گچسر بیست و شش

۱- مرآت البلدان ، ج ۳ ، ص ۹۸ .

ذرع عرض و چهار ذرع عمق دارد و آب آن گل آلود است و تند می رود . در حسنک در ، رودخانه یک پل چوبین دارد که ما از روی آن عبور نمودیم . این ده بسیار کوچک و خالی از نظافت است و یک امامزاده دارد . از حسنک در به گچسر از راهی که گاسترک خان ساخته است روانه شدیم و از دره ای که قریه نسا در آنجا واقع شده ، از وسط باغات و اراضی مزروع عبور نمودیم . یک فرسنگ بالاتر از قریه نسا ، رودخانه لورا به سمت شرقی به گچسر که قریه کوچکی است می رود . . .

از گچسر الی ولی آباد ، در عرض راه هیچ درخت ندارد . از گچسر راه از کنار نهری که به طرف غربی جاری است می رود تا پای کوتل گچسر که پانصد ذرع ارتفاع دارد و از آنجا راه متدرجاً بالا می رود تا آنکه به قلعه کوهی که سه هزار و چهارصد ذرع ارتفاع دارد می رسد . در آنجا تمام رشته البرز ، کوه شمیران و کوه آزادبر و دماوند و قلعه کوه شاهزاد نمایان است . در پای این کوه یک چشمه گوگردی واقع است و قریب دو فرسنگ که راه از آنجا دور می شود ، گل و ریاحین و درختهای جنگلی شروع می شود . . .

این راه الی ولی آباد همه جا خوب مهندسی شده است . راه از ولی آباد به تویر از بغله کوه می رود . در سه تنگه که از آنجا تا به قلعه کوه دوست یا سیصد ذرع است ، رودخانه چالوس جاری است . این راه بغله بسیار سخت است و اگر ساخته نبود و محجر گذارده نشده بود ، ممکن نبود که دو قاطر در پهلو ی یکدیگر بتوانند از آنجا عبور نمایند . در بالای ولی آباد کوه را سوراخ کرده و دالانی برای راه ساخته اند . تمثال شاهنشاه ایران در آنجا حجاری شده است و لکن خوب حجاری نکرده اند . طول این دالان سی ذرع است . تفصیل اتمام این راه را به خط فارسی در روی سنگ نقش کرده اند و اگر این راه را از ولی آباد از پایین تنگه ساخته بودند و به بغله کوه نرفته بودند خیلی بهتر بود و فوائد کلی داشت . وقتیکه راه مساوی رودخانه می شود

جنگل و کوههای سبز چشم را خیره می‌کند ...

روزدیگر از تویر به‌الت رفتیم که چمنی است خوب آب و علف و اطراف آن همه جنگل است و در سرچشمه رودخانه چالوس واقع است. الت پانصد و هفتاد ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد. در عرض راه از قریه رزان عبور نمودیم و از رودخانه از روی پل چوبین گذشتیم. در محاذی الت در يك فرسنگی قریه‌ایست موسوم به مرزان آباد، لوازم خود را ما فرستادیم از آنجا آوردند.^۲

در تاریخ مازندران مهجوری در باره راه کندوان به این مطالب برمی‌خوریم:

« در سال ۱۲۸۱ قمری به فرمان ناصرالدین‌شاه، مسیوالبرد مهندس خارجی مأمور تسطیح راه هزارچم شد و حاج میرزا یحیی خان نوری مسؤول تهیه وسایل و جمع‌آوری عملها بود و این راه پس از یکسال ساخته شد. »^۳

آقای مهجوری در حاشیه ص ۱۷۷ کتاب خود مأخذ خود را چنین یادآور

شده‌اند:

« روزنامه دولت شماره ۵۰۱ سال ۱۲۷۸ و ۱۲۸۰ قمری. »

تا جایکه ما اطلاع داریم راه کندوان را مسیو گاسترک‌خان ساخته نه مسیو

البرد. شرحی که ایشان درباره راه کندوان آورده‌اند، ظاهراً مربوط به تسطیح راه هزار دره جاجیرود است که در این خبر روزنامه دولت «هزارچم» خوانده شده است.

از اینها گذشته، راه کندوان راهی نبوده است که با وسایل آن روز يك ساله تسطیح شود. در نشان دادن مأخذ هم معلوم نشد که يك شماره روزنامه چگونه می‌تواند به

سال ۱۲۷۸ و ۱۲۸۰ مربوط باشد؟!

۱- بکسر الف و لام. ۲- استرابادنامه، صفحات ۲۲۰-۲۲۴. ۳- تاریخ

مازندران مهجوری، ج ۲، ص ۱۷۷.

کاروانسرای سرقله کندوان

هنگامی که از قلعه کندوان به طرف آبریز دره چالوس سرازیر شویم، بر کنار راه ناصرالدین‌شاهی، کاروانسرای است که از خارج نمای زیبای ندارد، زیرا نیمی از دیوارهای آن را در دل کوه ساخته‌اند. این کاروانسرا که با سنگ و گچ ساخته شده، بناگاهی برای چارپاداران بوده است و محلی برای چهارپایان ندارد.

کاروانسرای پای کندوان

پس از بیرون آمدن از تونل، بر کنار راست جاده آسفالتی امروز کنار سرچشمه‌های رودخانه چالوس، کاروانسرای است که با سنگ و گچ ساخته شده است. این کاروانسرا از کاروانسرای سرقله کندوان بزرگتر و جادارتر است. درازای جنوبی آن بیست و دو متر و پهنای شرقی آن نه متر است (عکس شماره ۴۵). این بنا شامل دوازده گنبد در دوردیف در درازاست. گنبدها بر چهارطاقیها استوار هستند. طاق هر چهارطاقی به بلندی ۱۸۰ سانتیمتر و فاصله میان جرزها ۱۳۰ سانتیمتر است. درازای هر فضا که زیر هر چهارطاقی است ۳۹۰ و پهنای آن ۳۱۰ سانتیمتر و قطر تمام دیوارهای بنا ۶۰ سانتیمتر است (عکس شماره ۴۶).

در شمال غربی این کاروانسرا، آثار بنای کاروانسرای قدیمی دیگری است که یکسره خراب شده اما دیوار جنوبی آن کم و بیش باقی است.

باقی آثار و بناهای کوهستان کلارستاق

۱- شاه‌علم‌دار در مرتع بلبله کوه که از راه مرزان‌آباد به‌برار و بلبله کوه

باید رفت.

۲- آثار قلعه برار بر ارتفاعی نزدیک دهکده برار.

- ۳- پیرسیدور (= سیتهور = سعیداعور؟) یا امامزاده فضل‌الله در چالزمین دهکده تویر^۱.
- ۴- کاروانسرای گرم‌کش سرراه ناصرالدین‌شاهی نرسیده به گردنه‌الفر.
- ۵- امامزاده محمد در اولاً که از راه‌الامل بایدرفت.
- ۶- معصوم‌زاده دهکده هرجان .
- ۷- گورستان قدیمی دهکده تویر که مقداری از قبور آن در ساختن راه‌چالوس از میان رفت.
- ۸- گورستانی قدیمی دامنه‌کوه فضل وفاضل میان مرتع ارن^۲ و ساره^۳.
- ۹- بقعه‌خواجه‌کلا روبروی ولی‌آباد سمت‌چپ رودخانه‌چالوس . بتازگی تعمیر و مرمت شده‌است.
- ۱۰- گورستان قدیمی دهشهر نزدیک دهکده دهشهر^۴.

بخش سوم

کجور

۱- مختصری از جغرافیای تاریخی کجور

کجور دره‌ایست شرقی غربی که آب رودخانه‌آن در دوآب کمی بالاتر از پل- زغال به‌آب رودخانه‌چالوس می‌ریزد. شهر تاریخی کجور از قدیمترین ایام مرکز ناحیه‌رویان و سپس پایتخت رستم‌دار بوده است.

اصطخری در کتاب مسالك الممالک خود که میان سالهای ۳۱۸-۳۲۲ قمری تألیف کرده است، از کوه‌های روینج (= رویان) نام می‌برد.^۱

در کتاب حدود‌العالم من المشرق الی المغرب که به سال ۳۷۲ قمری تألیف شده است چنین آمده که قسمتی از خاک طبرستان سلطانی جداگانه به نام «استندار» داشت و شهرهای ناتل و چالوس و رودان (= رویان) و کلار جزء این قسمت بود.^۲

یاقوت در معجم‌البلدان خود که به سال ۶۲۳ قمری نوشت، ذیل کلمه رویان می‌نویسد: رویان نام شهری بزرگ و کوره و وسیعی از کوه‌های طبرستان است. بزرگترین

۱- مسالك الممالک اصطخری، ص ۲۰۵ و ۲۰۴ . ۲- حدود‌العالم، تصحیح نگارنده،

۱- نام این امامزاده در مجموعه شماره ۴۳۳۰ کتابخانه ملی ملک مورخ ۱۲۹۹ ه. ق. آمده است. بنایی ناچیز است و ارزش تاریخی ندارد. ۲- بفتح الف وراء . ۳- بکسر تاء. ۴- دهشهر: ده کوچکی از دهستان کوهستان کلارستان، شش کیلومتری جنوب غربی مرزان‌آباد و ۲/۵ کیلومتری شوسه‌چالوس کرج (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

شهری از طبرستان که در دشت است، آمل و بزرگترین شهر کوهستانی رویان است. رویان در اقلیم چهارم است. طول آن ۷۶ درجه و ۳۵ دقیقه و عرض آن ۳۷ درجه و ده دقیقه است. فاصله میان گیلان و رویان دوازده فرسنگ است.^۱

عبدالمؤمن که کتاب مرصادالاطلاع خود را در سال ۷۰۰ قمری می‌نوشت پس از ضبط اعراب کلمه می‌نویسد « این نام بر شهر بزرگ و کوره وسیعی از خاک طبرستان اطلاق می‌شود. این شهر بزرگترین شهر کوهستانی طبرستان است و حدود خاک آن به کوه‌های ری می‌رسد.^۲

مولانا اولیاءالله آملی در تاریخ رویان که در غره محرم الحرام سال ۷۶۴ به پایان رسانیده است می‌نویسد:

« در این وقت از نواب خلیفه در کجور که قصبه رویان است، عمر بن العلاء نشسته بود با شش هزار مرد. و در گیلانا باد نصر بن عمران نشسته بود با هزار مرد خراسانی. و در پای دشت عامر بن آدم نشسته بود با پانصد مرد. و در نائل سعید بن میمون نشسته بود با پانصد مرد. و در بهرام‌ده عمر بن مهربان نشسته بود با پانصد مرد. و در قراطادان یوسف بن عبدالرحمن نشسته بود با پانصد مرد. و در ولاشجرد علی بن جستان نشسته بود با پانصد مرد. و در سعیدآباد سعید بن دعلج نشسته بود با هزار مرد. و در چالوس فضل بن سهل ذوالریاستین نشسته بود با پانصد مرد. الا در این وقت او غایب بود. و در کلار که اول دیلمان است جویرم السعدی نشسته بود با پانصد مرد، این جمله رویان است.^۳

۱- معجم البلدان ذیل کلمه رویان.

۲- مرصادالاطلاع، ذیل کلمه رویان،

۳- تاریخ رویان مولانا اولیاءالله، ص ۶۱.

همین ناحیه رویان با کمی اختلاف مرزی از اوایل قرن هفتم به نام «استمدار» خوانده شد. در کتاب تاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی که در سال ۷۴۶ قمری پایان یافته است سی بار به لفظ «استمدار» بر می‌خوریم. در متون همزمان یا نزدیک به زمان تألیف این کتاب نظیر نزهة القلوب حمدالله مستوفی نیز لغت «رستمدر» دیده می‌شود. در تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظہیرالدین مرعشی که در سال ۸۸۰ به تألیف آن پرداخته است، بارها لفظ «رستمدر» آمده است. با دقت و بررسی در این متون می‌توان به این نتیجه رسید که حدود خاک رستمدر کاملاً قابل انطباق با حدود خاک رویان است فقط خاک رستمدر، در دشت و زمینهای هموار ساحلی تا رودخانه نمکاو رود پیش رفته است، در صورتیکه حدود رویان به خاک چالوس ختم می‌شد.

بنا بر این خاک رویان یا رستمدر که شهر کجور از شهرهای معظم آن بوده است شامل ناحیه: کوهستان، کلارستاق، بیرون بشم، میان بشم، کلاردشت، کجور (شامل دشت و کوهستان) و نور (شامل دشت و کوهستان) و لورا (شامل دهکده‌های کنار کرج رود تا دو آب شهرستانک) و ارنگه بزرگ و کوچک و رودبار قصران و لار قصران است. حد شرقی آن رودخانه هراز و حد غربی آن رودخانه نمکاو - رود و حد شمالی آن حاشیه دریای خزر و حد جنوبی آن رشته کوه‌های توچال است.

ناحیه کجور به بلوک دشتی و کوهستانی تقسیم می‌شود. نواحی کوهستانی شامل شهر کجور، توابع کجور، زانوس رستاق، کوهپیر، پنجک رستاق.

نواحی دشتی شامل: کران^۱ خیره رود، بندپی، چلندر، نهر رودبار، کلرودپی،

کلندرود، علویکلا، کالج و کچه‌رستاق است.

در اغلب کتب تاریخی و متون جغرافیایی نام این ناحیه «کجو» بدون راء در آخر، آمده است. ظاهراً از آنجا که این نام اغلب با نام «نور» که بخش دیگری از ناحیه رستم‌دار است یکجا ذکر می‌شود، حرف «راء» بعدها به آخر کجو نیز افزوده شده است. شهر قدیم کجو در سه کیلومتری شهر جدید و در دامن کوه بوده است.

۲== بناها و آثار تاریخی گوهستان کجو

پل کرات = پل ناصری

در پانصد متری شمال دو آب کجو

در حوالی پل کرات که آن را پل زغال هم می‌گویند و بعد از ایجاد راه جدید، پل محکمی آنجا ساخته شده و موسوم به پل ناصری گردیده ... مسیو کاستر خان نساوی که در خدمت دولت علیه ایران است و به حکم اعلیحضرت شاهنشاه جمجاء ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه، مأمور ساختن این راه صعب‌المسلك از کنار چالوس بود گوید: «در حوالی پل ناصری بسیاری از آثار ابنیه قدیمه و بعضی علایم کهنه باقی و موجود می‌بود.» و مهندس مشارالیه خود پیکان تیر زیاد در آنجاها یافته و پیدا نموده. بعلاوه بقیه دیوار خرابه ممتدی دیده که حدساً حصار قلعه و شهری بوده و خرابه داکین حدادی و خبازی و قبور زیاد خیلی بزرگتر از قبرهای معمول حالیه با سنگهای روی قبر که خطوط کوفی داشته، مشاهده کرده به واسطه عدم اطلاع از زبان عربی و خواندن خط کوفی، دریافت ننمود، که تاریخ قبور از چه زمان و کدام قرن می‌باشد. و باز مشارالیه بعضی از استخوانها از قبور به دست آورده که نسبت به استخوانهای مردم این زمان خیلی بزرگتر می‌باشد. نیز در اغلب نقاط دره چالوس، قبور زیاد در میان

جگن و جنگل انکشاف نموده، با سنگهای قبر که خطوط کوفی روی آنها رسم و حجاری شده و دیوارهای بسیار که همه خراب و منهدم بوده و آثار عمارت و ابنیه قدیمه خشمی که مدخل اغلبی از سنگ بوده، هنوز برقرار است و دلیل واضح برهان لایح برآبادی زیاد که حالا معدوم است مشهود مشارالیه گردیده. بنابراین معلوم می شود توحیر (= تویر) که آثار خرابه او پدیدار است قصبه عمده بلکه قاعده و حاکم نشین این ناحیه بوده و گویند این آبادی تا پانصد سال قبل معمور می بود. و مقارن آن سنوات زلزله عظیمی شده، کوه مجاور شهر بر روی شهر خراب شد و شهر را نابود و تفرقه احجار نیز مؤید این عقیده و گفتار است. و از خرابه شهر توحیر چنین مستفاد می گردد که از طرف دریا محل تجارت بوده و بازار عمده بزرگی داشته^۱.

امامزاده جعفر و امامزاده حسن پسران امام موسی الکاظم علیه السلام

در دهکده حسن آباد پنجک رستاق^۲ کجور

مجموعه بنای بقعه که شامل ایوان و کفش کن و حرم است طرحی مستطیل شکل دارد. ایوان بقعه شرقی است و دارای شش ستون چهارسوی ساده با سرستونهای نسبه^۳ ظریف و لتازهای تخته‌ای ساده به بلندی یک متر جلو آن است (عکس شماره ۴۷). پشت آن کفش کنی به همان درازای ایوان و پشت آن حرم بقعه است که صندوقی چوبین ساده در میان آن و ضریحی مشبک چوبین در اطراف صندوق است. سرکشی (حمال) در طول بنا در وسط کشیده‌اند و پلورهای سقف بر این سرکش و دیوارهای طرفین متکی است. سقف بقعه و کفش کن و ایوان پلورکشی و پل کوبی است. بام سراسر بنا، لت پوش است. درهای جنوبی و شرقی بقعه قاب و گره ساده است، گلدسته‌ای به ابعاد دو متر از چوب بر بالای

۱- مرآت البلدان، ج ۴، صفحات ۸۰ و ۸۱. ۲- بفتح پ و سکون نون و فتح جیم و سکون کاف و ضم راء.

در ورودی است. در محوطه اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است.

چهل تن

نزدیک دهکده آستانکر و داکوهپر کجور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه و کوچک است. ایوان آن شمالی و دارای پنج ستون ساده با سرستون است. تکائلی تخته‌ای به بلندی یک متر جلو ایوان است. در ورودی بقعه در این ایوان است و صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنای اصلی بقعه است. محوطه‌ای بسیار وسیع و زیبا اطراف حیاط بقعه است که درختان نارون قطور زیاد در آن دیده می شود. از ریشه‌های قدیمی دو پا جوش بیرون آمده بود که محیط دایره تنه یکی ۴۵۴ و دیگری ۳۹۵ سانتیمتر بود. محوطه بقعه بر کنار ناوی^۱ است که چشمه‌های متعدد در آن می جوشد و آب فراوانی را تشکیل می دهد که از کنار بقعه می گذرد. بر کنار این آب دو اصله درخت نارون قطور است که محیط دایره تنه اولی ۵۳۵ و دومی ۴۶۰ سانتیمتر است.

امامزاده حسن

در دهکده چورن^۲ از دهکده‌های کوهپر کجور

نبایی است ساده از سنگ و گل، صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است. در محل معروف بود که امامزاده حسن از مریدان سید محمد کیا دبیر صالحانی بوده است. روزی او را به دهکده چورن برای مداوای دختری یکی از سران قوم فرستاد. دختر را بانفس مسیحای خود شفا بخشید. خویشان دختر خواستند اجر و مزدی بدهند نپذیرفت.

۱- بفتح کاف. ۲- دره‌ای بسیار کم عمق که از زمینهای دو طرف بیش از یکی دو متر عمق ندارد. ۳- چورن (بفتح راء) : ده از دهستان کوهپر بخش مرکزی شهرستان نوشهر، سه کیلومتری شمال کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

بالاخره شبانه مقداری سکه طلا در آسترقبای او دوختند و او به راه افتاد. بر بالای این بلندی که اکنون مزار اوست رسید. ندایی شنید که چرا از کسان دختر چیزی قبول کردی؟ جواب داد: من چیزی نپذیرفتم. ندایی رسید که تکانی به قبای خود دیده. تکانی داد، سکه‌ها فرو ریخت.

امامزاده حسن از کثرت شرمندگی در اینجا جان به جان آفرین تسلیم کرد. اهالی دهکده او را مرده یافتند، او را به خاک سپردند و بنایی بر گور او ساختند.

قلعه اسپی روز

بر کوهی مسلط بردشت کجور به نام قلاتر دن^۱ نزدیک دهکده
سر جار^۲ کوهپیر کجور

از گذشته این قلعه بیش از آنچه سیدظهیرالدین نوشته است اطلاعاتی نداریم. او یادآور شده که پس از بروز اختلاف میان ملک کاووس و ملک اسکندر. پسران ملک کیومرث. سید ظهیرالدین برای رفع اختلاف به رستم‌دار رفت و میان آن‌دورا صلح داد اما از کید و مکر ملک کاووس ایمن نبود. از اینرو کیا جلال‌الدین دیلمی را با صد نفر دیلم نزد ملک اسکندر گذاشت. ملک اسکندر، کیا جلال‌الدین را در قلعه کجور گذاشت و خود به قلعه اسپی روز که هوای آنجا در تابستان مناسب تر است رفت.

ملک کاووس آماده شیخون شد. از نور سوار شد و بساعجله تمام از شهر کجور و مقابل قلعه آن بگذشت. قلعه نشینان، ملک اسکندر را خبر کردند. تار سیدن خبر، ملک کاووس به در قلعه اسپی روز رسیده و قلعه را محاصره کرده بود. چون در قلعه ذخیره‌ای نبود، از طرف شمال، قلعه را سوراخی کردند و ملک اسکندر از آنجا بیرون رفت و خود را به ساحل رسانید و به تنگابن درآمد.^۳

۱- بفتح قاف و کاف. ۲- بفتح سین. ۳- تاریخ گیلان و دیلمستان، صفحات

باز میان دو برادر اختلاف شد و سیدظهیرالدین روز پنجمشنبه هفتم ذی‌الحجه سنه ۸۷۰ مأمور رفع این اختلاف شد و روز پنجمشنبه بیست و دوم ذی‌الحجه، ملک کاووس را در قلعه نور ملاقات کرد و چنین قراردادند که ملک کاووس به قلعه کجور بیاید و ملک اسکندر در قلعه اسپی روز باشد. روز یکشنبه غره محرم، هر دو برادر در محل چاه سر یکدیگر را ملاقات کردند و قرار مصالحه گذاشتند، ملک کاووس به کجور رفت و ملک اسکندر به قلعه اسپی روز درآمد.^۱

ملک کاووس روز سه‌شنبه چهاردهم شوال سنه ۸۷۱ چشم از جهان فرو بست و سید ظهیرالدین برای «تمشیت امور ملکی» به رستم‌دار درآمد و پس از پایان مراسم تسلیت از راه نیتل به کجور آمد و ملک اسکندر را در قلعه اسپی روز ملاقات کرد.^۲

حاجی محمد میرزا مهندس در باره این قلعه چنین نوشته است :

«آنچه در تاریخ دیده شده چون ملک کاووس از رستم‌دار بیرون رفت، ملک اسکندر به کجور آمده و قلعه اسپی ریز بانی آن قلعه دیوسپید نامی که حاکم ولایت رویان بود که حکیم فردوسی در شاهنامه ذکر او آورده است و قتل او را به دست رستم‌زال شرح و بسط تمام داده چنانکه گفته است:

نیاسود تیره شب و پاک روز
همی راند تاپیش کوه اسفروز
ملک اسکندر آن قلعه را تعمیر نمود.^۳

قلعه چنارین

در دهکده چنارین میان لاشک و کجور بر سر راه

آثاری از این قلعه برجای نبود.

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۲۱. ۲- تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۲۵.

۳- جغرافیای تاریخی مازندران تألیف حاجی محمد میرزا مهندس سال ۱۳۰۱، ص ۶.

بقعه خالق شیوب^۱در شهر کجور^۲

بقعه‌ای چهارضلعی از سنگ و گل است. در ورودی قبلی است و در ایوانی باز می‌شود که دارای شش‌ستون چوبین چهارسوی ساده است. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است و بالای مدخل گورستان شاخ بزکوهی قرار داده شده است.

بقعه حسن شهید

در شهر کجور

بنایی است چهارگوشه بایک ستون چوبین چهارسوی قطور در وسط و سرکشی برستون و دیوارهای دو طرف متکی است. ایوانی جلو بنا است. سقف بقعه و ایوان پلورکشی و پل‌کوبی است. گورستانی وسیع و قدیمی در جنوب بقعه است. بر سردر ورودی گورستان چندین شاخ بزکوهی کهنسال است.

امامزاده عبدالله

در اراضی شرقی شهر کجور

بنای اصلی بقعه چهارضلعی مستطیل است و ایوانی جلو بناست. سقف بقعه و ایوان پلورکشی و پل‌کوبی است و بام سراسر بناگلی است.

۱- بفتح شین و تشدید یاء . ۲- کجور قصبه مرکزی دهستان کجور بخش مرکزی شهرستان نوشهر، سی‌وشش کیلومتری جنوب‌صالح‌الدین کلا (سردین کلا) که در ۳۲ کیلومتری مشرق نوشهر و ۱۰ کیلومتری غرب‌المدنه واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

خرابه‌های شهر قدیمی کجور معروف به خرابه‌شهر

در دو کیلومتر و نیمی شهر کجور امروزی

این شهر که در دامن کوه بوده حصار محکم و استوار داشته است. این اسفندیار می‌نویسد که در سال ۲۷۳ محمد بن زید بن اسماعیل حالب‌الحجراه، حصار کجور را مرمت کرد.^۱ این عبارت می‌رساند که قبل از احوصاری برای این شهر ساخته بوده‌اند. ولی از عبارت سیدظهیرالدین چنین برمی‌آید که بانی حصار کجور او بوده است.^۲

این شهر که خرابه‌های آن امروز در منطقه وسیعی باقی است، در تاخت و تاز مغولان خراب شد. ملک‌جلال‌الدوله اسکندر، روز شنبه بیست و یکم ذی‌الحجه موافق با بیست و هفتم تیرماه قدیم سنه ۷۴۶ هجری، بنای شهر کجور را گذاشت.^۳ را بینو می‌نویسد که در تاریخ ۲۱ ذی‌الحجه سنه ۷۴۰ قمری استندار جلال‌الدوله اسکندر، شروع به تجدید بنای قلعه و شهر کجور کرد. ناهبرده باروی شهر را تجدید بنا کرد و ارگ آن را در ۲۱ ذی‌الحجه سال ۷۴۶ هجری تمام کرد و در ناحیه رویان قلعه شاه‌دز را که خود در آن منزل داشت، بنا نمود.^۴ در زمان او شهر کجور پایتخت بوده است.^۵

شهر کجور امروز که در دشت بنا شده است زیاد قدمتی ندارد و ظاهراً پس از کوچاندن ایل خواجه‌وند، به امر آقا محمدخان به این صفحات، به دست افراد ایل ساخته شده است. مصالح آن خشت و گل است و کوچکترین اثر هنر معماری در آن

۱- تاریخ طبرستان، ص ۲۵۳. ۲- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۱۱. ۳- تاریخ رویان، ص ۱۳۰. ۴- متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استراباد، ص ۳۰. ۵- تاریخ رویان، ص ۱۲۲.

دیده نمی‌شود. خانه‌ها يك طبقه و ابتدایی و كوچه‌ها تنگ و پریچ وخم است.

قلعه كجور معروف به دورقلعه یا سونه قلعه

بر بازوی کوهی مسلط بر شهر کجور

بر بازوی کوهی که تقریباً جهت شمال و جنوبی دارد و از رشته اصلی که سمت شرقی غربی است جدا می‌شود، آثار قلعه بزرگی بر جای است که بر اثر کندوکاو گنج-گیران زیر و رو شده است. آثار آب‌انبار و حمامی در اراضی آن دیده می‌شود. مصالح اصلی بنا گچ و آجر و سنگ بوده است. سیدظهیرالدین، این قلعه را به نام قلعه كجور می‌شناسد.^۱ و عبدالفتاح فومنی آن را «قلعه ماران» می‌خواند^۲ و صاحب عالم آرا شرح مفصلی از این قلعه در ادوار مختلف نوشته و آن را به نام «قلعه مارانکوه» ضبط کرده است.^۳ و علی بن شمس‌الدین بن حسین لاهجی آن را به نام «قلعه كجور» یاد کرده است.^۴ و اعتماد السلطنه آن را به نام «قلعه مارانکوه كجور» معرفی کرده است.^۵ ظاهراً مرادخان سفره‌چی ولد تیمورخان که شاه‌طهماسب او را روانه رستم‌دار کرده تا قلعه كجور را تسخیر کند، بدین قلعه روی آورده است^۶ و همین قلعه است که پس از اینکه به دست مأموران صفوی سوخته شد، به نام «سوته قلعه» شهرت پیدا کرد و امروز «دورقلعه» خوانند.

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده، صفحات ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۱۰ و ۳۱۴.

۲- تاریخ گیلان، ص ۳۵. ۳- عالم آرا، ج ۱، ص ۵۳۵. ۴- تاریخ خانی، ص

۳۱۵. ۵- التدوین فی احوال جبال شروین، ص ۱۰۴. ۶- عالم آرا، ج ۱،

ص ۱۲۱ و ۲۰۰ و ۵۰۳ و ۵۰۴. و ج ۲، ص ۱۳۹ شرح تسلیم شدن قلاع كجور، ج ۱،

ص ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷.

تیة سرحمام

در داخل شهر کجور امروز

تیهای که با خاک‌ریز دستی به وجود آمده است، در داخل شهر کجور، پشت مسجد است. در کندوکاو هایی که کرده‌اند، آثار ساختمانهای قدیمی و آب‌انبار در آن پیدا شده است. سفالهای لعاب‌دار اسلامی و سفالهای بدون لعاب در آن زیاد است.

راه کجور به اوزرود نور

این راه از شهر کجور به پشت دهکده لاشک می‌رود. از آنجا پس از گذشتن از گردنه شاه‌کوه و سنگ دروازه به ملاحسین دره می‌رسد و از اینجا پس از عبور از گردنه کنگرلو سرازیر می‌شود و پس از طی راه مارپیچی درازی به اوز از دهکده‌های اوزرود نور می‌رسد.

راه شهر کجور به نهر رودبار و دشت کجور

این راه از طرف شمال شهر کجور به تنگه نهر رودبار و گردنه شاه‌نقار (نپار)^۱ می‌رود. از آنجا به دامنه کنسان^۲ و دهکده‌های نارنجک‌بن و نوش‌ده و از اینجا از دامنه کوه به ناتل و آمل ادامه پیدا می‌کند. در راه ناتل به آمل در جنگلهای انارجار و قرق^۳ چندپل سنگی و آجری موجود است.

۱- بکسر نون. ۲- بضم کاف و کسر نون اول. ۳- بضم قاف اول و راه.

دروازه‌های قدیمی

در مرتع اسمچران^۱ بالای نیبتل سر راه کجور به بلده نور

معروف است که در این محل دروازه‌های قدیمی بوده و از آدمیان و بارچه‌پایان حق عبور می‌گرفته‌اند.

راه کجور به بلده نور

این راه از شهر کجور به دهکده صالحان و دهکده شاه‌ناجر و دهکده ورازان می‌رود. از دهکده ورازان که خارج شد، ابتدای گردنه قرق است. پس از طی سربالایی گردنه و سرازیر شدن از آن به تنگه‌ای می‌رسد که مستقیم به بلده نور وارد می‌شود.

راه دیگر کجور به بلده نور

این راه از کجور به کالارزمین و خواچک و نیبتل و گردنه سنگ چشمه می‌رود و به بلده می‌رسد.

راه کجور به میناک نور

این راه از کجور به انگیل و انگاس و گردنه کنگرچال و پس از سرازیر شدن به ترخان‌ده (= میناک) می‌رسد.

راه کجور به سی سنگان

این راه که معروف به راه سردین کالا است، از کجور به قهوه‌خانه نهر رودبار و

۱- بفتح الف و کسر میم و فتح چ .

تنگه و قهوه‌خانه کتو و سردین کالا و سی سنگان می‌رود .

راه کجور به المده

این راه از کجور به کدیر^۱ و کدیرسر و معدن گلندرود و المده می‌رود .

قلعه انگیل

پشت دهکده انگیل حومه شهر کجور

بر سر تیره کوهی که مسلط به دهکده انگیل است، قلعه‌ای قدیمی است. مصالح بنای آن سنگ و آجر و گچ بوده است.

قلعه شیواردره

در راه قدیمی کجور به سردین کالا (صلاح‌الدین کالا)

در راه قدیمی کجور به سردین کالا که از نهر رودبار می‌گذرد، در هیجده کیلومتری شهر کجور امروزی بر بالای ارتفاعی، قلعه‌ایست به نام «شیواردره» که مصالح بناهای آن سنگ و گچ بوده است.

قلعه ولیچ^۲

بر دامن کوه میان راه کجور به کدیر

این قلعه‌ظاهر آقابل تطبیق با قلعه «ولیک بن»^۳ است. «در ترجمه سفر نامه‌مازندران و استراباد را بینو محل آن «در میان راه قصر نجو (نشو) به کالار» تعیین شده است.^۴ این دو محل بهیچوجه شناخته نشد. ما حدس زدیم که نام این قلعه باید شکل دیگری از

۱- بضم کاف . ۲- بفتح واو . ۳- بفتح واو و کسر کاف . ۴- ترجمه

سفر نامه‌مازندران و استراباد را بینو ، ص ۱۴۷ .

«ولیک» باشد. بردامن کوهی بر سر راه کجور به کدیر آثار قلعه‌ای قدیمی بر جای است و به نام ولیگ بن خوانده می‌شود.

امامزاده جعفر بن امام موسی الکاظم علیه السلام

در اراضی بدی خیل حومه کجور

بنایی است هشت ضلعی از آجر با گنبدی هشت ترک (عکس شماره ۴۸). در ورودی شرقی و دو لنگه وقاب و آلت ساده است. ابتدا از کفش کن به دار الحفظ و بعد به بنای اصلی بقعه می‌رود. محرابی در ضلع قبلی است و خفنگی نورگیر در ضلع جنوب غربی قرار داده شده است.

در هر یک از اضلاع طاقنمایی باطاق هلالی است. یک نوار گچ‌بری به پهنای پنجاه سانتیمتر با نقش گل و بوته و اسلیمی زیر گنبد است (عکس شماره ۴۹). گنبد از داخل عرقچینی است و نقوشی نظیر نقوش ظروف سفالین اسلامی بروسط آن نقاشی شده است. پایین این نقش در سمت جنوبی و شمالی گنبد، دو دایره است که داخل آن نقش شیرو خورشید ترسیم شده است. در دو طرف شرقی و غربی نیز دو دایره است که داخل آنها نقش شیر و مار است. مار به دور کمر شیر پیچیده و گرده شیر را به دندان گرفته است. قسمتی از بدن مار نیز در دهان شیر است.

صندوقی چوبین قاب و آلت ساده در وسط بناست که درازای آن ۱۸۵ و پهنایش ۱۲۰ و بلندیش ۱۳۲ سانتیمتر است.

گور مصقله بن هبیره الشیبانی

در راه کجور به کندسان و نور

مصقله در دوران خلافت معاویه از او خواست تا هزار مرد بدو بدهد تا طبرستان را

مسخر کند، معاویه این لشکر را بدو داد. دو سال با فرخان جنگ کرد. سرانجام در کجور کشته شد و در قریه چهارسو به خاک سپرده شد. در زمان سیدظهرالدین این محل را «کیامشغله» می‌گفته‌اند.^۱

ابن اسفندیار می‌نویسد:

«گور مصقله در راه کجور به راه کندسان بر سر راه نهاده است. عوام الناس به تقلید و جهل زیارت می‌کنند که صحابه رسول علیه السلام است.»^۲

مولانا اولیاءالله آملی پس از شرح لشکرکشی او بدخاک طبرستان می‌نویسد:

«در آخر به طریق کجور به راه کندسان فرود آمد. مردم آنجا و اهالی رویان در آن مقام او را بکشتند و گور او هنوز بر سر راه نهاده است. عوام الناس به تقلید و جهل زیارت می‌کنند که این از جمله صحابه رسول است صلی الله علیه و آله و سلم و آن دروغ است و در تاریخ طبرستان بهاءالدین محمد کاتب بدین موجب یاد کرده است.»^۳

میرزا حسن خان اعتماد السلطنه می‌نویسد:

«گور او در یکی از قرای کجور به نام «چارسو» است و مردم این مرقد را «کیامشغله» می‌نامند.»^۴

آثاری از مرقد او در زیر صالحان روبروی سر بوده باقی است، برجی چهارضلعی از سنگ و گچ است و امروز به نام «یزیدی» خوانده می‌شود.

۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۵، التودین، ص ۴۴.

۲- تاریخ طبرستان، ص ۱۵۸. ۳- تاریخ رویان، ص ۴۸ و ۴۹. ۴- مرآت-

البلدان، ج ۴، ص ۴۹ و ۵۰.

شاهزاده حسین پسر امام موسی الکاظم علیه السلام
در دهکده فیروزکلای پایین حومه کجور

بنایی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که قطر آن از داخل ۳۳۰ سانتیمتر است. پهنای هر یک از اضلاع از داخل دو متر و در بدنه داخلی هر یک از اضلاع یک طاقنماست. خفنگی نورگیر مشبك چوبین در شرق و دو خفنگ دیگر در جنوب و جنوب غربی است. سقف بنا از داخل نیز هشت ترك است و تركها را به نقطه واحدی رسانیده و سقف را جمع کرده اند. نقش خورشیدی در وسط طاق و اطراف آن کمی پایین تر دو خورشید و دو دایره منقش و گل و بوته است. صندوقی تخته‌ای مرقندرا پوشانیده و ضریحی چوبین مشبك در فاصله نزدیکی صندوق را احاطه کرده است. درازای این ضریح ۲۳۰ و پهنای آن ۱۱۶ و بلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است. جلو بنای اصلی بقعه مسجدی به درازای ۷۳۵ و پهنای ۵۰۰ سانتیمتر بنا شده است. ایوانی جلو مسجد و حیاط کوچکی جلو ایوان است. در ورودی اصلی به این حیاط باز می‌شود و بالای آن مآذنه‌ای چوبین است (عکس شماره ۵۰). در مسجد و حیاط سنگهای قبور زیر دیده شد:

« وفات المرحوم المغفور امیرخان ابن رحمت وغفران پناه شاه قباد خواجهوند من طایفه شرف اوند سنه ۱۲۱۴ ».
« وفات مرحوم مغفور تیمورخان ولد مرحوم شیرمحمدخان خواجهوند فیروزکلای ۱۳۲۴ ».

۱- فیروزکلای بالا: ده اذهستان علوی کلابخش مرکزی شهرستان نوشهر، سه کیلومتری شرق کجور و فیروزکلای پایین ۳/۵ کیلومتری شرق کجور است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

« وفات غفران پناه مرحوم محمد نصیر سلطان ابن طااطاسلطان خواجهوند سنه ۱۲۴۰ ».
« وفات المرحوم نامدارخان ابن مرحوم کاکاسلطان خواجه بند یوم پنجشنبه چهارم ذیقعده الحرام سنه ۱۲۴۲ ».
حسینیه‌ای نزدیک بقعه شاهزاده حسین است و چناری که سنال در دیوار محوطه این حسینیه دیده شد که محیط دایره تنه آن به ۸۴۰ سانتیمتر می‌رسد.

امامزاده سیدعلی

در اراضی فیروزکلای پایین از توابع کجور

بنای اصلی بقعه چهار گوشه است و از سنگ و گل بنا شده است. ایوانی در جلو بناست. سقف بنا و ایوان پلورکشی و پل کوبی است. صندوقی چوبین ساده در وسط بنای اصلی بقعه مرقد را پوشانده است. محوطه باز اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است. دوسه گور قدیمی دیده شد که طرف شمالی و جنوبی گور سنگهای يك پارچه به ارتفاع ۷۰ و درازای ۱۱۵ سانتیمتر کار گذاشته بودند. سنگ بالاسر گورها از بالا سه شاخه و به پهنای ۹۸ و بلندی ۷۰ سانتیمتر است. بر بدنه خارجی سنگهای بزرگ و کوچک مطالبی حک شده بود که خواننده نشد (عکس شماره ۵۱). همانند این سنگها را در بقعه سیدمحمد بن امام جعفر الصادق علیه السلام در دهکده گویتیر بیرون بشم کلارستاق دیدیم ولی سنگهای گورستان بقعه سیدعلی بزرگتر و قطورتر است. این سنگها ظاهراً مربوط به اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری است.

مزار سیدخدیجه

در دامنه کوه نزدیک بقعه سیدعلی

در شرق بنای بقعه سیدعلی و در دنباله اراضی گورستان این بقعه بنایی هشت

ضلعی از سنگ و گچ است. پهنای هر ضلع از خارج ۲۰۸ سانتیمتر و قطر هشت ضلعی از داخل ۴۴۲ سانتیمتر و قطر دیوار بنا ۸۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۵۲). بوته زرشکی داخل بناست که دخیل زیادی بر آن بسته بودند. بلندی دیوارهای بازمانده یک متر و نیم تا دو متر است. این بنا ظاهراً گور یکی از بزرگان یا سران قوم بوده است.

امامزاده سید ولی

در اراضی دهکده فیروزکلای بالا حومه کجور

بنای اصلی بقعه اطاقی است به درازای پنج و پهنای چهار متر. سقف بنا پلور کشی و پل کوبی است و بام آن لیس است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است. مسجدی در جلو بنای بقعه است. درازای آن پنج متر و پهنای آن سه متر است. ایوانی نیز در جلو مسجد است. در ورودی مسجد و بقعه شرقی است. گورستانی قدیمی در محوطه اطراف بقعه است. در محوطه متصل به گورستان دو اصله درخت اوجای (نارون) کهنسال است. محیط دایره تنه یکی ۴۰۰ و دیگری ۴۰۴ سانتیمتر است.

اوجائی (نارون) کهنسال

متصل به بقعه سیدنبی در دهکده فیروزکلای بالا حومه کجور

بقعه‌ای کوچک در این دهکده است که به نام سیدنبی معروف است و بنایی قدیمی به نظر رسید. درخت اوجای کهنسالی متصل به بنای بقعه است که محیط دایره تنه آن ۷۰۷ سانتیمتر است.

چناری کهنسال

در تکیه فیروزکلای بالا حومه کجور

در محوطه مسجد و تکیه فیروزکلای بالا چناری کهنسال است که گرداگرد تنه

آن بالغ بر ۵۰۵ سانتیمتر است.

آثار بناهای قدیمی

در فیروزکلای بالا حومه کجور

در اراضی لوس^۱ نزدیک به این دهکده پس از کندوکاو آثار اطاقهایی پیداشده است. گچ هم از مصالح ساختمانی این بناها بوده است.

شاه پلافه^۲

بر سر کوه رستم زنی^۳ از کوههای فیروزکلای بالا

در این محل آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود که مصالح آن آجر و سنگ و گچ بوده است.

قلعه پی اسپرس

در دهکده پی اسپرس کالج گلندرود کجور

جای یادآوری از این قلعه قاعده^۱ در شرح روستاهای گلندرود باید بیاید و آبریز آن به رودخانه‌ای دیگر غیر از آبریز رودخانه کجور است ولی از آنجا که نزدیکترین راه آن از راه فیروزکلای بالا بود، در اینجا یاد کردیم. بر سر تپه‌ای منفرد که چمنزار است، نزدیک دهکده پی اسپرس آثار قلعه‌ای قدیمی وجود دارد. مصالح بنا آجر و سنگ و گچ بوده است. آثار آب‌انباری نیز در محوطه قلعه دیده می‌شود. بناهای قلعه بر اثر کندوکاو زیاد زیرو رو شده است و طرحی از وضع قدیمی قلعه نمی‌توان تهیه کرد.

۱- بفتح لام و سکون واو . ۲- بفتح پ و کسر فاء . ۳- بکسر زاء و

تشدید نون به معنی زانو است .

مرقد ملك تاج الدوله زياد بن كبيخسر و بن شهر اكيم در دهكده كدير اكجور

در ایام دولت ملك تاج الدوله، مردم رستم دار و رویان در عین جمعیت و استراحت بوده اند و در سیاست رعایا و تدبیر ملك هیچ ملكی به ملك تاج الدوله نرسید. مدت ده سال بدین منوال روزگار بگذرانید و در سنه اربع و ثلاثین و سبعمائه به مقام كدير، به اجل مسمای خود برسید.^۱

منبر مسجد جامع كدير

حسام الدوله اردشیر پسر ناماور پس از پدر که در سال ۶۴۰ فوت شد، به جای او نشست «برادرش اسکندر بن ناماور در طرف نائیل و آن حوالی نشستی و منبری که در جامع كدير نهاده است و نام اسکندر بن ناماور بر آنجا ثبت کرده اند و تاریخش صد و دو سال است، این اسکندر است.»^۲ اگر سراسر تاریخ رویان در سال ۷۶۴ که سال ختم آن است گردآوری شده باشد، این منبر ظاهراً در سال ۶۶۲ ساخته شده بوده است.

امامزاده سيد حسين و سيد قاسم

در اراضي پارچين کيلی كدير

بنای اصلی بقعه چهار گوشه است. سقف بنا پلورکشی و پل کوبی است. مسجدی متصل به بنای بقعه است. ایوانی در جلو آنست که در عرض مسجد قرار می گیرد. بنای بقعه و مسجد در دامنه تپه است و گورستانی وسیع اطراف بقعه است.

- ۱- كدير (بضم كاف) : ده از دهستان كلرودپی بخش مرکزی شهرستان نوشهر، بیست و يك كيلومتری جنوب صلاح الدین کلا (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .
- ۲- تاریخ رویان، چاپ نگارنده، ص ۱۷۶ . ۳- تاریخ رویان، ص ۱۵۴ .

چون گورها در دامنه تپه قرار گرفته اند، بلندی قبلی آنها بیشتر از بلندی شمالی است و سنگهای قبور را در سمت قبلی نصب کرده اند. سنگها مورخ بودند ولی قدمتی زیاد نداشتند. بر سنگ قبری نام طایفه «بیج» حک بود. این طایفه در پیجده نور نیز ساکنند.

قلعه مور

بر قلعه کوهی به نام «قالاسر»^۱

بالای قلعه قالاسر زمینی مسطح و پهناور در حدود دوهزارمتر مربع است. این قلعه میان مرتع موزی سی و مرتع فائمه لا^۲ است. از طرف قبلی به نهر رودبار و از شرق و غرب به مرتع هشتان^۳ محدود می شود. اراضی زیر بنای این قلعه که سالها از قلاع مهم و مشهور بوده است تبدیل به جنگل شده و آثاری از بنا در آن دیده نمی شود. دو گودال نسبتاً بزرگ در این محل دیده می شود که ظاهراً اثر کندوکاوی گذشته است. این قلعه عظیم، پیش قلعه ای به نام مناچیر قلعه^۴ یا مناچیر کلا^۵ قلعه دارد که بر کنار شاهراه شاه عباسی است.

ابن اسفندیار می نویسد که وقتی که افراسیاب منوچهر را دنبال کرد، او به رستم دار آمد و پس از چندی که در خورشیدرستاق آواره شد در چلندر در محلی که کوهستان خیلی به دریا نزدیک است، پناه جست. در آنجا میان دیه های نوشده و کنس، خندق بزرگی حفر کرد و با همراهان خود در آنجا ماند و خانواده خود را به قریه موز (در نسخه های خطی مور) فرستاد که در آن وقت مانپیر نام داشت که در يك طرف آن

- ۱- بفتح قاف. ۲- بکسر تاء. ۳- بفتح هاء و تاء دوم. ۴- بفتح میم.
- ۵- در دفاتر دیوانی «منوچهر کلا» نویسد.

کوه غار بزرگی است. منوچهر خزاین و دفاين خود را در آن غار پنهان کرد و در مدخل آن قلعه‌ای ساخت که در زمان مؤلف به نام «دزمنوچهر» شهرت داشت. در زمان کوچک علوی از همین غار خزاین بسیار به دست آمد.^۱

اسماعیل کدخدای درزن^۲ به کلنل ولز گفته بود که در نورود بار قلعه‌ای غیر قابل تسخیر به نام قلعه مور وجود دارد.^۳

بقعه طاهر و مطهر و مدفن ملک کیومرث استندار

در اراضی دهکده هزارخال^۴ حومه شهر کجور

قدیمیترین سندی که در آن از بقعه طاهر و مطهر یاد شده است، تاریخ گیلان سیدظہیرالدین مرعشی است. نامبرده در سال ۸۶۳ ه. ق. از قریه هزارخال و این بقعه دیدن کرده، این شرح را درباره آنجا نوشته است:

«روز جمعه بیست و هفتم شوال سال ۸۶۳ به قریه هزارخال که مزار مبارک حضرات سادات کرام سیدطاهر و مطهر آنجا است و ملک مغفور ملک کیومرث جهت آن دو پاک‌زاده عصمت‌پناه قبه‌ای عالی ساخته است و وصیت کرده که او را در قدم آن سیددفن کنند و قبر او را به دو شبر از قبور آن سادات پست‌تر بر آورند و همچنان کردند. واقعاً ملک مرحوم در ایام دولت خود بسیار از این خیرات کرده است و هر جا که در آن ولایت نشان مزار بزرگی از بزرگان دین

۱- متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استراباد را ببینو، ص ۲۹. ۲- بفتح دال و

زاء و سکون راء.

۳- «Across the Elborz mountains to the Caspian sea» by Lt. Col. H. L. Wells in the Scottish geographical magazine jan. 1898.

۴- هزارخال: ده از دهستان کجور بخش مرکزی نوشهر، سه کیلومتری جنوب کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

داده بودند به بالای آن عمارت مرغوب بفرمود ساختن. فی الجمله فراخور ملک خود وقتی بنهاد و متولی بنشاند تا به مستحقان طعامی برسانند و بر سر راهها در هر مواضع که از آبادانی دور بود بفرمود تارباطی بساختند.^۱

میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۳ هجری قمری، از این بقعه دیدن کرده (عکس شماره ۵۳) و شرح زیر را درباره آن نوشته است:

«قریه هزارخال در نیم فرسخی شهر کجور، نزدیک ناچردشت و صالحان است که اردوی همایونی امسال در بین این سه قریه متوقف و من در روز جمعه بیست و هفتم شهر شوال المکرم سنه هزار و سیصد و سه، به قصد زیارت و تقمیش اولیت و کیفیت بنای مشهد امامزاده‌ها که در آنجا مدفونند به قریه هزارخال در آمدم. در این قریه پنجسایه خانوار بود، تمام آنها از ایسل خاجوندند و بین ایشان اصلاً خانواری از مازندران نیست و این طایفه را شاه شهید آقامحمدشاه قاجار حشره الله مع الائمة الابرار از گروس و کردستان کوچانیده، بدین سرزمین مرتع و مراعی داد تا رفع سرکشی و طغیان مازندرانیان بدیشان شده، اشرار رستم‌دار و همجوار آن از حلقه اطاعت بیرون نشوند و از جاده اعتدال به طرف دیگر نروند. چرا که اهالی طبرستان در ابتداء سلطنت شاه شهید خالی از شرارت نبودند و یا می‌خواستند است دفع‌ش این طایفه را از گروس و کردستان بفرماید.^۲

بقعه مبارکه امامزادگان در این قریه واقع است و بسدواً گنبد و بارگاه و صندوق آن به امر ملک کیومرث بنا شده است و نیز خود وی را بعد از وفات

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده، ص ۲۹۶ و ۲۹۷. ۲- مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی، ج ۸، شماره ۷۳۲، برگ ۵۰۷ الف و ب.

در آنجا دفن کرده اند . در بنای این بقعه آنچه که به نظر رسید از این قرار است :

چون از در اول داخل شدم ، صحنی به نظر آمد که فضای آن مدفن اموات بود و دیوار اطراف آن در غایت کوتاهی و به حالت خرابی و تباهی آمده ، در وسط این صحن گنبد و بارگاهی برپا شده است که در نهایت رفعت و استحکام است . چون خواهی که داخل بقعه شوی ، دری به نظر آید که از چوب جنگل ساخته و رویش را مثبت کرده اند . بر روی مصراع آن در که در وقت دخول به یمین واقع شده ، این فقره را به خط رقاع نوشته اند :

امر بهذا الباب المشهد المبارك الملك المعظم .

و در مصراع که در سمت یسار است ، این فقره نوشته شده :

جلال الدولة کیومرث بن شرف الدولة بیستون استندار .

و در جبهه قطری مصراع راست این عبارت به نظر رسید :

عمل محمد بن حسین کیا کردی .

چون از این در داخل شوی ، رواقی تنگ باشد و طولش از جنوب به شمال هشت متر و نیم و ارتفاعش از سطح زمین تا سقف که قوس و هلال ساخته اند ، پنج متر است و در یمین و یسار این رواق دو صفت بزرگ بسته شده است که در زیر آن مقبره ای به نظر آمد . لیکن بنای این دو صفت به خلاف بناهای دیگر این بقعه ، جدید است . بر اطراف این رواق دو کتیبه نوشته شده است که آنها را بر روی گچ با رنگ سرخ و کبود مرقوم داشته اند . اغلب جاهای این دو کتابه محو شده و گچ آن ریخته شده است و کنون آنچه که از کلمات آن کتابه باقی مانده در این جا نوشته شده و به جای کلماتی که خوانده نشده چند نقطه گذاشته می شود :

... السلام عليك يا ابراهيم خليل الله السلام عليك يا اسمعيل ذبيح الله السلام عليك يا موسى كلیم الله السلام عليك يا عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد بن عبد الله ... السلام عليك يا وارث امير المؤمنين ... فاطمه و حسن و حسين و زين العابدين و محمد ... بحق محمد و انت المحمود و بحق علي و انت علي الاعلی و بحق فاطمه و انت فاطرة السموات والارض و بحق الحسن و انت المحسن و بحق الحسين واليك يرجع الاحسان ... واغفر ذنبي و استر عيبي بفضلك و كرمك ياربى .

و نیز کتابه ای باریک بالاتر از کتابه اولی است که تمام آن يك سطر و بالای سردر رواق دوم نوشته شده است . آنچه که خوانده شد از این قرار است :

... تحتها الانهار ... والذین معه اشداء على الكفار ... سراجاً منيراً ... و شاهداً و بشیراً و نذیراً ... فاوفى الى عبده ما اوحى ... و كان قصاب قوسین اوادنى ... سبحان الذی اسرى ... من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى ... و هر دوی این کتابه به خط ریحان است .

از این رواق مذکور به رواقی دیگر که مانند مسجد و واقعاً دار الحفظ این بقعه است ، داخل می شود و دری در این جا نصب است که روبروی درب اول واقع شده است . در هر مصراع دری ، چهار سطر نوشته شده که دو سطر آن فوقانی و دو سطر تحتانی است و مرقومات آن بدین تفصیل است :

مصراع طرف دست راست	مصراع طرف دست چپ
قدتم هذا الباب بامر السلطان الا	عظم مالك رقاب الامم السلطان
ملك كيومرث خلد الله ملكه و سلطانه	واوضح على العالمين برة واحسانه
تحتانی	تحتانی

فی تاریخ جمادی الاولی سنة تسع و اربعین و ثمانمائة الهجرية صانعه استاد یوسف بن نجار فیروزی متولی هذا الزیارة الشیخ حسین گالش

این در به رواق دوم باز می‌شود که دارالالحفاظ بوده و از برای انعقاد صفوف جماعت وسعت مکان دارد و عرضش از جنوب تا شمال هشت متر و نیم و طولش از مشرق الی مغرب چهارده متر است. در این رواق در سمت جنوب صفة محراب‌داری برپاشده و نیز روبروی آن هم صفا است که پنجره‌ای بر دیوار آن قرار دارد و آن پنجره روبه‌صحن باز می‌شود که از بیرون رواق سه درون روشنائی داخل می‌شود و طاق این رواق مانند رواق اول از آجر و به طور هلالی ساخته شده است. از این رواق به روضه مطهر و مرقد منور داخل می‌شود که دری در آنجا نصب شده است که روبروی درب اول و درب ثانی است. این در بخلاف درهای دیگر ساده و بی‌نقش و نگار است. بالای سر این در، سنگی نصب کرده‌اند که این عبارت بر روی آن نوشته‌اند:

عمل استاد حسین بن علی بناء آملی الحسینی .

از این در به روضه مطهره باید رفت، سطح این روضه مربع و منتظم و متساوی‌الاضلاع است که طول هر ضلعش هشت متر و نیم و ارتفاعش از سطح زمین تا قاعده طاق، دهمتر و از قاعده تا ذروه گنبد که منتهی به نقطه مخروطی است، چهارمتر بود و طاق گنبد به وضع نصف‌کره و مانند اسطوانی است و از بیرون به شکل منشوری است.

از وسط دیوارهای جنوبی و شمالی، دو پنجره روبه‌صحن به جهت روشنائی و نفوذ هوا گذاشته‌اند و آن پنجره‌ها را از چوب جنگلی مشبک ساخته‌اند. طول هر پنجره هشتاد و عرض آنها چهل سانتیمتر است. در هر دیواری سه عدد طاقچه نما ساخته بودند و از وسط طاقچه‌نمائی که در دیوار غربی و روبروی درب بین رواق و روضه مطهره بود، سپری برجسته و محدب از گچ ساخته

بودند که قطر آن هشتاد سانتیمتر به نظر آمد و شکل ساعدی فقط از رنگ نقش کرده بودند که در دست شمشیری گرفته و آن را تا وسط، در پشت سپر به کار برده بودند.

در اطراف این روضه، سه‌کتابه دیده‌شد که بکلی اثری از آنها باقی نمانده و گچپایش ریخته بود و بهیچوجه خواننده نمی‌شد، ولی در کتابه اولی بعضی کلمات ملاحظه‌شد که لفظ «کیومرث» و «جلال» و «الحمد» نوشته شده بود. معلوم شد که این کتابه با کتابه صندوق اول که نوشته می‌شود مطابق و اختلافی نداشت و این کتابه‌ها که خواننده نشد، به خط ریحان و تعلیق بود. نیز در دو طرف هر طاقچه‌نمائی به خط کوفی، مربعی قرار داده که به طرز «مقرنس عرابی = عرابیسک» بعضی کلمات از آیات قرآنی و احادیث نبویه و صلوات و سلام نوشته شده بود.

در وسط گنبد، دو صندوق، یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر واقع شده. صندوق بزرگ که طرف دست‌چپ است، مرقد دو امامزاده بزرگوار است. طول این صندوق دومتر و نیم و عرضش یک‌متر و نیم و ارتفاعش نیز یک‌متر و نیم است. با آنکه چهارصد و شصت و سه سال است که این صندوق در این جا قرار یافته است، باز هنوز در غایت صفا و نهایت استحکام است. هیچ‌عیبی در آن ظاهر نشده بلکه مثل آنست که تازه این صندوق را آماده کرده‌اند. خوشنویس و نقاش و نقاره‌چیان صنعتی در این صندوق به کار برده که هر صانع ماهری در اظهار چنان صنعت قاصر و به لسان انصاف به استادی آن صنعتگران اعتراف کنند. در این صندوق دو کتابه یکی بالا و دیگری پایین به خط نسخ و ریحان دیده می‌شده و در وسط کلمات گلکاری و نقش و نگار منجوت شده است و در حاشیه کتابه بالای صندوق این عبارات وافییه و بیانات کافییه دیده شد:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين اما بعد فان الملك الاعظم مالك رقاب الامم اعدل الملوك والسلاطين اعتضاد الحكام والخواقين المؤيد بتأييد رب العالمين جلال الحق والدولة والدين ابوالمظفر الملك كيومرث بن الملك المرحوم المغفور الشهيد^۳ (عكس شماره ۵۴). الملك بيستون خلف الله تعالى سلطنة الى يوم الدين ورحم ابائه و اسلافه الصالحين امر بنحت هذه الصندوق المرقد المنور^۴.

و در کتابه طرف پائین صندوق از قرار ذیل نوشته شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم لهما (در این سطر طرف دیگر چیزی نوشته نشده بود)^۵.

اللهم صل على محمد المصطفى و على علي المرتضى و حسن الرضا و حسين شهيد الكربلاء و زين العابدين و محمد باقر و جعفر الصادق و موسى الكاظم و علي موسى الرضا و محمد تقی و على نقی و حسن العسكري و حجة القائم امام محمد المهدي صلوات الله عليه^۶ و عليهم اجمعين والصلوة على صاحبی هذا المرقد المنور امامين الهاميين السيد بن الشهيد بن الكاملين الفاضلين الصادقين^۸ الطاهرين^۹ المطهرين ابنا امام العالم العادل والشرع الناظم وهو موسى الكاظم

- ۱- تا اینجا کتیبه قسمت بالای سراسر است .
- ۲- تا اینجا کتیبه بدنه شمالی صندوق است .
- ۳- اعتمادا السلطنه «سعید» خوانده است. الف و لام و شین کلمه «شهید» در کتیبه پایین پا است .
- ۴- اعتمادا السلطنه کلمه «المنور» را نخوانده است .
- ۵- منظور ، چیز دیگری در سطر این طرف نوشته نشده بود .
- ۶- اعتمادا السلطنه کلمه « کربلا » را بدون الف و لام ضبط کرده است .
- ۷- تا اینجا کتابه بدنه شمالی صندوق است .
- ۸- جای کلمه « الصادقین » را اعتمادا السلطنه نقطه چین کرده است .
- ۹- تا اینجا کتابه پایین پا است .

علیهم التحية و الرضوان تم هذا الصندوق الشريف و العمل الظریف علی يد الاستاد الاجل المخدم استاد محمد بن الحسين النجار المعروف بکیا کردی و لایه رودی کتبه محمود بن النجیب الرستم داری^۱ غفر له (عکس شماره ۵۵). در زیر این کتابه طرف پایین پا، در طرف مشرق در ورودی محجر صندوق بدین عبارت تاریخ نخست این صندوق را نوشته اند : فی تاریخ ربیع الآخر سنة اربع وثمانمائة الهجرية^۲.

صندوق ثانی کوچکتر و در طرف ایمن صندوق اول و سمت شمالی است . در این صندوق ملک کیومرث مدفون است. عرض و طول این صندوق با اولی مساوی است اما ارتفاعاً نیم متر کوتاهتر از آن صندوق است^۳ و در این صندوق نیز دو کتابه فوقانی و تحتانی است و بعلاوه در هر طرفی از چهار طرف در دو خط عمودی بطرف عرض دو کتابه دیگر باشد و طرز خواندن کتابه های این صندوق بساید از طرف مغرب سمت بالاسر ابتدا شود . اول سطر اول فوقانی ، بعد به خط تحتانی و بعد به دو کتابه خط عمودی شروع شده ، آنوقت در طرف دست چپ رو به شمال باید میل کرد و آنجا را خواند تا هر چهار طرف اتمام یابد . در این کتابه ها صلوات و سلامی که در صندوق اول نوشته شده بود ، در اینجا تا امام دوازدهم نوشته شده ، بعداً سوره « انا فتحنا » را الی « بما تعلمون خیراً » نقاری کرده اند .^۴

- ۱- کلمه « رستم داری » روشن خوانده نشد .
- ۲- کلمه ای نظیر « و سلم » بعد از « الهجرية » نوشته شده است .
- ۳- اندازه صندوق مرقدملك کیومرث: درازا ۲۱۰ و پهنا ۱۱۳ و بلندی ۸۹ سانتیمتر است .
- ۴- تا اینجا عبارات میرزا حسن خان اعتمادا السلطنه است .

طرف غرب یعنی بالاسر صندوق ملک کیومرث کتیبه‌های زیر است :
کتیبه بالا :

« اللهم صل على المصطفى وعلى علي المرتضى وعلى حسن الرضا وعلى حسين شهيد بكر بلا وعلى زين العابدين وعلى محمد الباقر » .
کتیبه پایین :

« وعلى جعفر الصادق وعلى موسى الكاظم وعلى علي موسى الرضا وعلى محمد تقى و على علي النقى و على حسن العسكري و محمد المهدي » .
طرف شمال این صندوق کتیبه‌های زیر خواننده می‌شود :
کتیبه بالا :

« بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحناك فتحاً مبيناً - تا - انزل السكينة في » .
کتیبه پایین :

« قلوب المؤمنين لينردوا - تا - خالد بن فيها و يكفر عنهم » .
کتیبه عمودی سمت راست از بالا به پایین :

« سيئاتهم وكان ذلك عند الله - تا - المناققين والمنافقات » .
کتیبه عمودی سمت چپ از بالا به پایین :

« والمشركين والمشركات - تا - عليهم دائرة السوء » .
طرف شرقی صندوق مرقد ملک کیومرث :

کتیبه بالا :

« هذه الصندوق الروضة السلطان الاعظم الاعدل مالك رقاب الامم سلطان العرب والعجم » (عکس شماره ۵۶) .

کتیبه پایین :

« المؤيد بتأييد الملك الجبار والمعتم بولاية علي المختار كيومرث بن بيستون »

استندار فی سنة ثمانه و خمسين و ثمانمائه» .

طرف جنوب صندوق مرقد ملک کیومرث (عکس شماره ۵۷) :

کتیبه بالا :

« و غضب الله عليهم ولعنهم - تا - تسبحوه بكرة واصيلاً » .

کتیبه پایین :

« ان الذين يباعدونك - تا - واهلوا فاستغفر لنا » .

کتیبه عمودی دست راست از بالا به پایین :

« يقولون بالسنتهم ماليس - تا - من الله شيئاً ان » .

کتیبه عمودی دست چپ از بالا به پایین :

« ان اراد بكم ضراً - تا - بما تعلمون خيراً »^۲ .

در طرف پایین پا در کتابه تحتانی این عبارت ملاحظه شد :

المؤيد بتأييد الملك الجبار المعتم بولاية علي المختار كيومرث بيستون استندار
فی سنة ثمانية و خمسين و ثمانمائه .

در صنعت نقاری و نقاشی و خطاطی این صندوق هم مثل صندوق اول پاکیزه و مرغوب ، بلکه امتیازش بیشتر است .

در رواق و روضه بیش از این انکشافی نبود ولی در بیرون بقعه و بارگاه که وسط صحن مبارك واقع شده ، بر اطراف چهار دیوار آن بقعه دو کتابه بلافاصله در زیرهم نوشته شده است . اولی بر روی آجرهای نظامی ناپخته به خط ریجانی نوشته‌اند ، بعداً آجرها را پخته بطور لوحه بر روی دیوارها

۱- کلمه «ان» در ابتدای این کتیبه مکرر آمده است . ۲- سورة الفتح ، ۴۸ :

آیات ۱- ۱۱ . چون نقل اعتماد السلطنه ناقص بود تا اینجا را نگارنده از روی صندوق مرقد ملک کیومرث نقل کرده است .

نشانیده بودند و خطوط کتابه فوقانی، از دیوار رو به جنوب شروع شده. بعد از بسمله، آیه الکرسی تا «هووالعلی العظیم» و بعد از این تاریخ را نوشته بود (فی سنة تسع و عشرين و ثمانمائة).

کتابه دوم تحتانی را نیز مثل کتابه فوقانی شروع کرده، به همان قلم بعد از بسمله، سوره مبارکه «فتح» تا آیه «والمشركين والمشرکات» نوشته شده است. ابتداء این دو کتابه از دیوار رو به جنوب و انتهای روبه شمال است و در سر دیوار غربی که بالای درب امامزاده است، بقیه این دو کتابه است که بعضی آجرهای آن ریخته و برخی منصوب است. آجرهای ریخته را آنچه راکه نزد متولی موجود بود با آجرهای منصوب وفق داده، کلماتی که دیده شد در اینجا نوشته می شود:

هوالمملك العزيز الملك الاعظم الاعدل خسرو ایران خلاصه اکاسره جهان معین امیر المؤمنین ... ملک کیومرث خلدالله تعالی سلطنته ابن ملک المغفور المبرور ملک شرف الدوله بیستون استندار علیه الرحمة والفران کتبه محمود بن نجیب الرستمدراری فی تاریخ ثمان و عشرين و ثمانمائة.^۱

آنچه از کتیبه های دیوار بنا امروز برجای است

کتیبه بالای ضلع جنوبی :

«بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو - تا - ما فی الارض من.»

کتیبه پایین ضلع جنوبی :

۱- از اینجا به بعد اعتمادالسلطنه از قول مورخین عمودنسب ملک کیومرث را تا آدم صفی الله نوشته است که مانقل آن را لازم ندانستیم .

«بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا لك فتحاً - تا - نصرأ عزيزاً هو» (عکس شماره ۵۸).

کتیبه بالای ضلع غربی :

«ذالذ . . . عنده . . . بهم و ما خلفهم ولا يحيطون بشيء من عدد.
شاء وسع کرسیه.»

کتیبه پایین ضلع غربی :

«الذی انزل سکینه فی قلوب . . . نهم . . . جنود السموات والارض وکا . . .
یدخل المؤ . . . ثمان وعشرين» (عکس شماره ۵۹) .

کتیبه بالای ضلع شمالی :

«السموات والارض ولا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم فی سنة تسع عشرين و
ثمانمائة الهجرية النبوية وکل > . . .»

کتیبه پایین ضلع شمالی :

«من تحتها الانهار خالدین فیها . . . المناققات والمشرکین والمشرکات.»

کتیبه بالای ضلع شرقی :

«حکم . . . احد . . . کام . . . > . . . هو الملك العزيز کتبه محمود بن نجیب -
الرستمدراری امر بعمارة المبارك ذوالهجریه مطهر منور فی تاریخ مادعلیها . . .»

کتیبه پایین ضلع شرقی :

«الملائكة الاعظم الاعدل المغفور المبرور» [باقی کلمات جا بجاست و ریخته
است] .

از آنچه که اعتمادالسلطنه از آنها یاد کرده است فعلاً بنای اصلی بقعه و صندوقها و دارالحفاظ برقرار است (عکس شماره ۶۰) . دو زوج در اصلی بقعه و دارالحفاظ به سرقه رفته است و داخل بنای بقعه بر اثر تعمیرات مکرر با آنچه اعتمادالسلطنه

شرح داده است تفاوت‌های بسیار دارد. از کتیبه‌های داخلی و نقش و نگارها و سپهر کچ‌بری برجسته و سایر نقوش هیچگونه اثری نیست.

بنای اصلی از داخل مربع و بدابعاد ۵۴۰×۵۴۰ و از خارج ۸۴۰×۸۴۰ سانتیمتر است. بر چهار گوشه بنا چهار گوشوار زده‌اند و کمر بند هشت ضلعی گنبد را به وجود آورده‌اند و طاق را بر دو ردیف مقرنس آجر کاری زده‌اند. در ورودی اصلی، شرقی است و بر بالای آن خفنگی چوبین مشبک است. در هر یک از اضلاع دیگر دو طاقما ساخته شده است و قسمت بالای در ورودی نیز دو طاقما دارد. در بدنه جنوبی و شمالی بقعه، در چجه داشته که فعلاً گرفته‌اند.

دارالحفاظ این بقعه متصل به ضلع شرقی است و شامل محوطه‌ای چهار ضلعی به ابعاد ۳۹۸×۳۱۲ سانتیمتر و چهار طاقما در چهار ضلع بناست که دارای طاق جناقی هستند. در ضلع جنوبی دورف مانداست که در آنها دو خفنگ نورگیر نصب شده است. در ورودی دارالحفاظ شرقی است و بالای آن خفنگی مشبک چوبین نورگیر است. سقف این قسمت بنا گنبدی است.

بالای در ورودی دارالحفاظ این شرح با خطی خوش نسخ نوشته شده است:

«هو الله تعالی شأنه»

حسب الامر و فرمایش اعلیحضرت قدر قدرت ناصرالدین شاه قاجار خلدالله
ملکه الی دارالقرار در سنه ۱۳۰۲ برای تعمیر گنبد مطهر امامزاده طاهرو
مطهر علیه السلام بعمده الامراء العظام ولیخان سرتیپ میر بنجه تنکابن... که
محض اجر دنیا و آخرت مخارج را متحمل شده تعمیر نمایند لهذا بسر کاری بنده
در گاه آقا... بیگ نایب فوج در اواخر سنه ۱۳۰۴ مطابق شهر ذی‌عقد الحرام
در سال فرخنده فال تنگوزئیل انجام پذیرفت.

در محوطه اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است اما سنگهای قبور مورخ آن
میان سالهای ۱۲۹۰-۱۳۰۹ ه. ق. است.

مرقد سید محمد کیا دبیر صالحانی در دهکده صالحان حومه شهر کجور

نسب او را میر ظهیر الدین چنین یاد کرده است:

«محمد بن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن
ابن علی المرتضی علیه وعلیه السلام»^۲

اما مولانا اولیاء الله به اشتباه حسن مثنی را حسن بن امیر المؤمنین پنداشته و نام
او و نام پسرش زید را از قلم انداخته و قاسم را پسر حسن بن علی علیه السلام دانسته
است.^۳ سید ظهیر الدین می نویسد که مردم او را «سلطان کیمدور»^۴ نیز می خوانند.

۱- صالحان: ده از دهستان توابع کجور بخش مرکزی شهرستان نوشهر، شش کیلومتری
جنوب شرقی کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲- تاریخ طبرستان و رویان و
مازندران، ص ۲۰۱ و ۲۰۲. ۳- در تاریخ رویان ص ۸۷ و ۸۸ و ۹۰ از این
شخص یاد شده است. ۴- لغت «کیمدور» ظاهراً طبری نیست و ریشه و
اشتقاق آن شابهتی به واژه‌های طبری ندارد. احتمال داده‌ایم این لغت ترکی باشد و شاید
این داستان محلی به حل آن کمکی کند که سلطان سنجر آوازه شهرت سلطان العارفين سید محمد
کیای دبیر صالحانی را شنیده بود (زمان حیات سلطان سنجر و سلطان محمد اختلاف زیادی با
یکدیگر دارد) از راه لارونور به کجور آمد تا او را ببیند وقتی به گردنه قرقر رسید و سرانیز
شدنیت کرد سید را گوشمالی دهد کوه به امر سلطان محمد به لرزش درآمد. سلطان سنجر وحشت
کرد و نیت بگردانید. ندا رسید که کوه ملرز و تا امروز این کوه به همین نام معروف است.
بالاخره سلطان سنجر به زیارت سید محمد نائل آمد و دست ارادت بدو داد. سلطان سنجر
هنگام حرکت از روی تخفیف و استحقار پرسیده بود «سلطان کیمدور» یعنی سلطان کیست؟

این بقعه را سید ظهیر الدین روز دوشنبه بیست و ششم ذی القعدة سنه ۸۷۱ زیارت کرده، عین عبارات او چنین است :

« شب سه شنبه بد قریه صالحان به سر برده شد و زیارت سلطان المحققین سید محمد کیای دبیر قدس سره را به شفا ادب مقبل و ملثوم ساخته آمد. »^۱
میرزا حسن خان اعتماد السلطنه در رکاب ناصر الدین شاه در سال ۱۳۰۳ هـ. ق. از این محل دیدن کرده و درباره آن چنین نوشته است :

« قریه صالحان را با قریه هزار خال که بدان اشارتی شد مسافت به قدر میدانی بیش نیست . روز یکشنبه ۲۹ شوال سنه ۱۳۰۳ که در رکاب نصرت انتساب همایونی بودم و در این سفر از ملتزمین محسوب می شدم ، به قریه صالحان از توابع کجور که خاک رویان می باشد در آمدم و در بقعه مبارکه رفتم . این بقعه در زلزله معروفه که پیش از نود سال یا صدسال در تمامی ممالک محروسه ایران به وقوع آمد منهدم و خراب شده و جز چهار دیوار مخروبه اثری باقی نمانده و در تپه ای در جنب جنوب غربی صالحان واقع است . در این چار دیوار یک رواق و یک بقعه است که بلندی در این رواق یک متر و بیست و پنج سانتیمتر و عرضش نود سانتیمتر است . یک لنگه این در مخصوص به در آن بقعه دیگر است که پس از خرابی اهل این قریه ندانسته این لنگه را به عوض در این در گذاشته اند و لنگه این در به آن در بقعه نصب کرده اند . به خط ثلث به چهار چوب های این در کتابه ای نوشته اند که صورت آن از این قرار است :

بسم الله الرحمن الرحيم انافتحنالك فتحاً مبیناً - الى - عند الله فوزاً عظيماً الله مفتاح الابواب مسبب الاسباب هذا باب عمارة المشهد المقدس و تربة معطر سلطان

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۲۴.

العارفین برهان المحققین تاج الواصلین خلیفه رسول رب العالمین ابوال معارف سلطان محمد دبیر کیا صالحانی قدس الله سره امر بهذا المعارة و الباب الملك الاعظم والاستندار المعظم جلال الدوله ملك اسکندر بن الملك المرحوم شرف الدوله بیستون خلد الله ملكه و طاب ثراه فی تاریخ ماه مبارک محرم سنه عشرين و ثمانمائه الهجره به النبویه .

این در در رواقی است که مساحت داخلش طولاً و عرضاً پنج و از سطح زمین تا قاعده طاق شش متر است . دو طاق نما در دیوار شمالی و یک طاق نما در دیوار جنوبی دارد . در این بقعه سنگ پاره ای به شکل شبه اسطوانه از جنس گرانیت به نظر آمد، چون روی سنگ را پیسه گرفته و اغلب جاهای آن حک و نابوده شده بود خطوطی به وضع نسخ قدیم نوشته بودند که درست خوانده نمی شد، آنچه به نظر آمد از این قرار است :

لا اله الا الله محمد رسول الله هذا قبر مبارك سلطان العارفين و قطب الواصلين سلطان محمد کیا بن فی قدس سره العزیز الله مایه
اگر چه از این عبارت واضح شد که این سنگ سنگ مقبره این بزرگوار است اما لفظ سلطان و قاعده خط شهادت نمی دهد که سنگ مذکور از آثار مائه دوم یا سوم باشد . طول سنگ ۷۰ و قطر وسطش ۴۵ سانتیمتر است . هر چند تخته های در دوم که داخل روضه می شود ، در جای خود بودند ولی از لنگه چپش که در درب اول و از لنگه راست آن که در رواق دوم افتاده بود کتابه آتیه که در چهار سطر به خط رقاع نوشته بودند خوانده شد :

۱- در قسمت بالای کلاهک سنگ « بسم الله الرحمن الرحيم » و در وسط کلاهک کلمه « الله » نیز خوانده می شود. مقداری از آخر رونویس اعتماد السلطنه امروز شکسته و از میان رفته است .

قدتم هذا الباب في اوان الدولة السلطان الاعظم مالك الرقاب والامم جلال-
الدولة ملك كيومرث . . . خلدالله ملكه وسلطنته .

بلندی این در يك متر وهشتاد سانتیمتر و عرضش يك مترو پانزده سانتیمتر است و گشوده می‌شود به روضه مطهره که مرقد و مدفن سلطان محمدکیا دبیر و مملک کلوس است.^۱ این بقعه مثنی‌الزاویه و هرززاویه، دارای سه طاقنماست که بر روی يك دیگر واقع شده . قطر بقعه از قاعده زاویه‌ها شش‌متر و از سطح تا قاعده طاق هشت متر است و ارتفاع طاق‌هم‌گویا ۳/۵ متر بوده است .

در بالای طاقنمای اول اسم مدفونین بقعه و بنانی و مأمور و تاریخ بنا را به خط ریحان و به قلم سه سانتیمتری به روی گچ به رنگ سیاه‌کتابت کرده‌اند اما از آنکه اغلب جاهای آن خراب شده بود به طور مطلوب خوانده نشد مگر این کلمات که نوشته آمد :

بسم الله الرحمن الرحيم ... سلطان السلاطين و خاقان الخواقين ملك اسكند خلدالله ملكه ... ابن صاحب ديوان آقا محمد كزازی . . . سلطان العارفين برهان المحققين ابوالمعارف سلطان محمد دبیرکیا سلطان طبرستان ... سنه...^۲

بالای طاقنمای دوم به خط خوش و مرغوب سوره‌یس کتابت شده. در هر طاقچه‌هم از آیات شریفه و احادیث منیفه‌کتابه‌ای کرده‌اند^۳ و چهار پنجره در طاقنماهای جنوبی و شمالی و غربی قرار داده‌اند.

۱- از این درها هیچ اثری نبود. يك زوج از این درها درخانه متولی است و او از نشان دادن آنها امتناع کرد . ۲- از این کتیبه امروز اثری برجای نبود . ۳- از این کتیبه‌ها امروز کوچکترین اثری برجای نیست.

در وسط روضه مطهره يك سنگ دستاس و يك کلاهاک گلدسته از مس ومطلاو يك میل آهنی به‌نظر آمد. چون اثر تاریخی در آنها نبود از متولی این بقعه مبارکه استفسار کردم معلوم شد که در اینجا مناره‌ای از چوب بوده که قنادیل بر آن آویزان می‌کردند و کلاهاک هم مخصوص به سر آن مناره بوده و میله آهنی از برای تقویت و محافظت کلاهاک به سر مناره گذاشته می‌شده است و سنگ آسیا هم در رواق اول در وقت حفرقبری به‌دست آمده است.^۱ بعد از آنکه به‌خردو ریز و تخته شکسته‌های صندوقهای پای قبور نگاه کردم ودقت نمودم واضح شد که در این بقعه دو صندوق بوده است.

صندوق اول خواه از صنعت‌کتابت و نقاشی و خواه از نقاری و سایر آثار مثل صندوقه امامزاده طاهرین است که در قریه هزارخال دیده شد و معلوم شد که حاشیه اول صندوقه بعد از بسم الله، آیه الکرسی و صلوات و سلام بر حضرت خاتم‌الانبیا و ائمه اثنی‌عشر را نوشته و بعد از این کتابه را که اول آن به‌دست نیامد نگاشته‌اند:

... ملك كيومرث جعل الله ظلال عدالته مؤيداً على رؤس المؤمنين الى يوم الدين ابن غفران پناه فردوس دستگاه ملك بهمن طاب ثراه وجعل الجنة مشواه في تاريخ ذى الحجه سنة اربع وستين و تسعمائه عامل هذا الصندوق المبارك اقل العباد علاء الدين بن محمد النجار و كاتبه العبد حاجي محمد گیلانی.

از این عبارات مفهوم شد که این صندوق مخصوص به مرقد مبارک امامزاده محمد دبیرکیا بوده و ملك كيومرث^۲ در تاریخ سابق‌الذکر مرمت کرده است. صندوق دوم نیز از جهت کتابت و نقاری و نقاشی و سایر آثار مثل صندوق

۱- از این آثار نشانی ندیدم. ۲- این ملك كيومرث غیر از ملك كيومرث بن ملك بیستون است .